

بررسی پی‌بسته‌های ضمیری در گویش دلواری

محمد مهدی واحدی لنگرودی (دانشگاه تربیت مدرس)
شیرین ممسنی (کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی)

۱ مقدمه

بخش دلواری، منطقه‌ای در غرب استان بوشهر، از توابع شهرستان تنگستان است که در فاصله ۳۶ کیلومتری جنوب شرقی شهر بوشهر، در حاشیه خلیج فارس قرار دارد. جمعیت این بخش، شامل شهر دلواری و روستاهای مجاور آن، قریب به ۲۵۰۰۰ نفر است.

گویش دلواری، مانند سایر گویشهای استان بوشهر، نظیر دشتی و دشتستانی، از جمله گویشهای ایرانی نو و از شاخه جنوب غربی است. (نک. رضائی باغبیدی، ۱۳۸۰). گویش دلواری، گونه نوشتاری و رسمی ندارد و تاکنون، هیچ گونه تحقیق زبان‌شناختی و حتی غیرزبان‌شناختی بر روی آن صورت نگرفته است. در این مقاله به توصیف یکی از ویژگیهای جالب آن، یعنی نظام ضمائر شخصی پرداخته شده است. به نظر می‌رسد این نظام ضمائر، که بازمانده از گونه‌های کهن زبان فارسی میانه است، از جهاتی چند حایز اهمیت باشد. از جمله این موارد، ویژگی ارگتیو و بازتاب آن در ضمائر شخصی است. اما آنچه در این مقاله بدان پرداخته خواهد شد عبارت است از معرفی، توصیف و تحلیل ساختار نحوی و نحوی پی‌بسته‌های ضمیری در گویش دلواری. در این تحقیق با مقایسه گونه‌های متصل و آزاد ضمائر شخصی، به تشریح توزیع و رفتار نحوی این ضمائر پرداخته و به پرسشهای زیر، حتی الامکان، پاسخ داده خواهد شد:

- الف) ویژگی‌های ساختارهای و نحوی ضمائر شخصی در گویش دلواری چیست؟
 ب) تفاوت یا تفاوت‌های اساسی میان پی‌بسته‌های ضمیری و گونه‌ی منفصل یا آزاد آنها از نظر توزیع و عملکرد نحوی چیست؟
 ج) عملکرد پی‌بسته‌های ضمیری را در چهارچوب تعاریف عام در نظریه‌ی واژه‌بست^۱ چگونه می‌توان توصیف کرد؟
 د) پی‌بسته‌های فاعلی ارگتیو چه تفاوتی با پسوندهای فعلی (شناسه‌های فعلی) دارند؟

۲ ضمائر شخصی

ضمائر کلماتی هستند که به جای اسم می‌نشینند و به قرینه‌ی خارجی (حضور مصداق)، یا قرینه‌ی زبانی (وجود مرجع در بافت زبانی) معرفه هستند و برای جلوگیری از تکرار به کار می‌روند (صادقی، ۱۳۵۸).

ضمائر شخصی در گویش دلواری عبارت‌اند از دو گروه الف) ضمائر آزاد یا منفصل، ب) پی‌بسته‌های ضمیری.

ضمائر شخصی در گویش دلواری

پی‌بسته‌های ضمیری	ضمائر آزاد	شخص	شمار
-om ^۲	mo	من	مفرد
-et	to	تو	
-eš	'u	او	
-emu	ma	ما	جمع
-etu	šoma	شما	
-ešu	'una	ایشان، آنها	

ضمائر شخصی مذکور حاوی دو مقوله‌ی نحوی شخص و شمارند و بر اساس کارکرد و جایگاه نحوی، می‌توان آنها را به چهار دسته تقسیم کرد. به این معنی که صیغه‌های

1) clitic theory

۲) در این مقاله علامت - قبل از ضمائر متصل به کار می‌رود و نشان‌دهنده‌ی اتصال آنها به عنصر ما قبل است.

شش‌گانه ضمایر شخصی، در هر دو شکل آزاد و پی‌بستی می‌توانند به عنوان فاعل، مفعول، متمم (مفعول غیرمستقیم) و ضمیر ملکی در جمله ظاهر شوند. گونه پی‌بستی این ضمایر، آنها را در رده ضمایر واژه‌بستی^۳ قرار می‌دهد. نگاهی اجمالی به پیشینه و تعاریف کلی در حوزه واژه‌بستها، به طور عام، و ضمایر واژه‌بستی، به طور خاص، نشان‌دهنده اهمیت چشمگیر این موضوع، در حوزه زبان‌شناسی نوین است.

۳ پیشینه

«از نظر تاریخی، برجسب 'واژه‌بست' اولین بار توسط دستوریان یونان باستان به عناصری اطلاق می‌شد که از نظر نحوی واژه‌اند، اما از نظر ساختوازی به واژه مجاور (به ویژه واژه ماقبل) وابسته‌اند و با آن واژه، نوعی واحد ساختوازی^۴ تشکیل می‌دهند» (زوئیکی، ۱۹۹۴). «واژه‌بستها عناصری هستند که دارای برخی از مشخصه‌های واژه‌های مستقل‌اند، اما معمولاً استقلالی را که یک واژه داراست ندارند؛ به ویژه، این عناصر نمی‌توانند به طور مستقل ظاهر شوند، بلکه باید از نظر آوایی به یک میزبان^۵ متصل شوند. واژه‌بستها نوعاً واژه‌های دستوری هستند، مانند ضمایر و فعلهای کمکی. از نظر تاریخی، عموماً از واژه‌های کامل نشأت می‌گیرند و نهایتاً به صورت وندهای تصریفی در می‌آیند. مجموعه پدیده‌های شناخته‌شده تحت عنوان واژه‌بست‌سازی^۶ نقطه تلاقی ساختواژه، نحو و واجشناسی است» (اسپنسر، ۱۹۹۱).

در اکثر مطالعات توصیفی در زمینه واژه‌بست، بر لزوم برقراری تمایز میان ویژگیهای واژه و نند تأکید شده است. در این مطالعات، واژه‌بست در برخی از ویژگیها به واژه شبیه است و در برخی دیگر به نند. زوئیکی (۱۹۹۴) چنین بیان می‌کند که «دو مقوله واژه و نند از نظر نحوی، ساختوازی، معناشناسی و واجی با هم در تقابل هستند. واژه‌ها دارای مقوله نحوی خاصی هستند، بالقوه قادرند هسته یک گروه واقع شوند و توصیف‌گرها^۷ به آنها افزوده شوند. واژه‌ها، تکواژهای واژگانی^۸ و دارای تکیه مستقل هستند. حال آنکه وندها دارای مقوله نحوی نیستند، هسته یک گروه قرار نمی‌گیرند، معنای آنها مبتنی بر روابط نحوی است و صرف نمی‌شوند. به علاوه، وندها تکواژهایی فاقد تکیه‌اند و

3) clitic pronouns

4) morphological unit

5) host

6) cliticization 7) modifiers

8) lexical morphemes

صورت آوایی آنها متأثر از پایه آنهاست. در جمله «گار علفها را خورد» چهار تکواژ گاو، علف، را و خورد مصداق تعریف واژه‌اند، در صورتی که تکواژ دستوری جمع -ها مصداق یک وند است. واژه‌بستها با توجه به نوع خود برخی از ویژگیهای واژه و برخی از ویژگیهای ونداها را دارا هستند و بر روی پیوستاری که انتهای آن از یک طرف واژه‌ها و از سوی دیگر ونداهاست قرار دارند. واژه‌بستها را به سه دسته ساده^۹، ویژه^{۱۰} و واژه‌های مقید^{۱۱} تقسیم می‌کنند. ضمائر کوتاه‌شده در زبان انگلیسی از نوع واژه‌بسته‌های ساده‌اند (مثل m- که کوتاه‌شدهٔ them در جملهٔ give-m to me است). واژه‌بسته‌های ساده از نظر توزیع، مانند گونهٔ کامل خود هستند و ارتباط معنایی و آوایی آنها با گونهٔ کامل خود، روشن و شفاف است. مثلاً در زبان فارسی پی‌بست /-o/ کوتاه‌شدهٔ پیواژه را است. تکواژ را در محاوره به صورت /to/ تلفظ می‌شود و در صورتی که پس از واژهٔ مختوم به صامت بیاید، کوتاه شده و به صورت /-o/ تلفظ می‌شود (شقایقی، ۱۳۷۴).

واژه‌بست ویژه را می‌توان تکواژگونه^{۱۲} یک واژهٔ مستقل دانست؛ اما، از گونهٔ کامل خود توسط فرایند تخفیف^{۱۳} مشتق نمی‌شود. مثلاً در زبان صربی-کرواتی واژه‌بست mi (به من، مفعول غیرصریح)، دارای گونهٔ کامل meni است، یا فعلهای پی‌بستی زبان فارسی /-am/، /-i/ و غیره که معادل کامل آنها «هستم، هستی و...» است. واژه‌های مقید کلماتی هستند که گونهٔ مستقل ندارند، کلمات واقعی محسوب نمی‌شوند و نمی‌توان آنها را معادل‌های کوتاه‌شدهٔ یک واژهٔ واقعی نامید، با این حال، نیاز به یک میزبان دارند (اسپنسر، ۱۹۹۱). پی‌بست کسرهٔ اضافه (-e) را می‌توان جزو این گروه دانست^{۱۴}.

کلاوانس (۱۹۸۲ و ۱۹۸۵) معتقد است که آنچه باعث تمایز واژه‌بست و وند می‌شود این است که واژه‌بست از نظر نحوی به یک گروه نحوی متصل می‌شود و این گروه، در واقع، حوزهٔ عملکرد واژه و واژه‌بست‌سازی آنهاست. پارامترهای پیشنهادی کلاوانس اتصال واژه‌بست به میزبان و حوزهٔ عملکرد آن را مشخص می‌کند. برای مثال، یکی از این پارامترها مشخص می‌کند که آیا واژه‌بست به انتهای یک میزبان متصل می‌شود یا به آغاز

9) simple

10) special

11) bound words

12) allomorph

13) reduction

۱۴) در طبقه‌بندی واژه‌بستها، واژه‌های مقید اغلب تحت عنوان همان واژه‌بسته‌های ویژه قرار داده می‌شوند. به طور مثال شقایقی (۱۳۷۴) پی‌بست کسرهٔ اضافه را نوعی واژه‌بست ویژه محسوب می‌کند.

آن. در صورت نخست واژه‌بست یک پی‌بست^{۱۵} و در صورت دوم یک پیش‌بست^{۱۶} محسوب می‌شود.

اسپنسر (۱۹۹۱) معتقد است که تعامل میان واژه‌بست‌سازی و ساخت موضوعی^{۱۷}، اهمیت و نقش بارز نظام ارجاع ضمیری^{۱۸} در نظریهٔ نحو و، نهایتاً، تغییر واژه‌بسته‌های ضمیری به عناصر مطابقه‌ای جمله، سه دلیل عمده برای مطالعهٔ ضمائر واژه‌بستی است.

اندرسون (۱۹۹۴) واژه‌بسته‌های ویژه را وندگروهی^{۱۹} می‌نامد. او واژه‌بسته‌های ویژه را به دو گروه اشتقاقی و تصریفی تقسیم می‌کند و معتقد است که فعلهای کمکی، نشانه‌های زمان دستوری، عناصر ضمیری، وابسته‌های اسمی^{۲۰} و علائم مالکیت از جمله واژه‌بسته‌های تصریفی هستند. آنچه او عناصر ضمیری می‌نامد، آنهایی هستند که موضوعها^{۲۱}ی یک بند محسوب می‌شوند.

۴ پی‌بسته‌های ضمیری در گویش دلواری

پی‌بسته‌های ضمیری در گویش دلواری، مانند معادله‌های غیر واژه‌بستی خود، دارای شش صیغه (سه شخص و دو شمار) هستند. در این تحقیق، به منظور سهولت توصیف و تحلیل، آنها را بر اساس کارکرد نحوی به چهار گروه تقسیم کرده‌ایم:

الف) پی‌بسته‌های فاعلی (ارگتیو): آن دسته از پی‌بسته‌هایی که حالت فاعلی دارند یا در جایگاه فاعل منطقی جمله قرار می‌گیرند.

ب) پی‌بسته‌های مفعولی: آن دسته از پی‌بسته‌هایی که حالت مفعولی دارند و در جایگاه مفعول صریح (بی‌واسطه) قرار می‌گیرند.

ج) پی‌بسته‌های مفعولی غیر صریح: آن دسته از پی‌بسته‌هایی که حالت مفعولی غیر صریح (به‌ای-برایی) دارند.

د) پی‌بسته‌های ملکی: پی‌بسته‌هایی که به عنوان مالک در ترکیبهای ملکی به کار می‌روند.

15) enclitic 16) proclitic 17) argument structure

18) pronominal reference 19) phrasal affix

20) determiners

21) arguments

۴-۱ پی‌بسته‌های فاعلی (ارگتیو)

در گویش دلواری ضمیر شخصی پیوسته واژه‌بستی، می‌تواند در نقش فاعلی ظاهر شود. این نقش را می‌توان در زمان گذشته افعال متعدی مشاهده کرد. به جمله‌های زیر توجه کنید:

- | | |
|-----------------------------|------------------------------|
| (1) /merd-i ræft-θ/ | مردی رفت. (لازم) |
| (2) /boč-a ræft-en/ | بچه‌ها رفتند. (لازم) |
| (3) /do:t-eku čas-eš mi-xe/ | دختره ناهار می‌خورد. (متعدی) |

در جمله (1) گروه اسمی (merd-i) با پسوند فعلی سوم شخص مفرد (-θ) مطابقت می‌کند. در جمله (2) گروه اسمی (boč-a) با پسوند فعلی سوم شخص جمع (-en) مطابقت می‌کند. در جمله (3) گروه اسمی (do:t-eku) با پی‌بست فاعلی (-eš) مطابقت می‌کند. جمله (3) گذشته متعدی است، از این رو، باید از پی‌بست فاعلی به عنوان عنصر مطابقت شخص و شمار در آن استفاده شود.

ضمایر فاعلی آزاد عبارت‌اند از /mo, to, 'u, ma, šoma, 'una/. این ضمایر، از نظر ساختوازی و واجی تکواژهایی مستقل و با فاعل اسمی در توزیع تکمیلی هستند. این ضمایر موضوعهای بیرونی فعل جمله محسوب می‌شوند و از نظر جایگاه نحوی با پی‌بسته‌های ارگتیو که عناصری مطابقت‌آمیز هستند متفاوت‌اند. به دلیل ویژگی ضمیرانداز بودن این گویش، این ضمایر را می‌توان حذف کرد، اما بازخوانی ویژگی‌های شخص و شمار آنها باید توسط دو گروه از عناصر مطابقت‌آمیز (پسوند فعلی یا پی‌بست فاعلی) صورت گیرد:

- | | |
|-------------------------|----------------------------|
| (4) /(mo) ræft-om/ | من رفتم. (لازم) |
| (5) /('una) čas-ešu xe/ | آنها ناهار خوردند. (متعدی) |

پی‌بست فاعلی، برخلاف فاعل اختیاری جمله، هیچگاه در ابتدای جمله واقع نمی‌شود و این امر به دلیل وابسته بودن آن به عنصر سمت چپ خود است.

۴-۱-۱ پی‌بسته‌های فاعلی ارگتیو در مقایسه با پسوندهای فعلی

پسوندهای فعلی به ستاک فعلی متصل می‌شوند. حضور این عناصر، در تمام جملات، به جز جملات متعدی در زمان گذشته، اجباری است (جمله شماره 5) و حذف آنها

باعث غیردستوری شدن جمله می‌شود. در جدول زیر، پسوندهای فعلی (شناسه‌های فعلی) نمایش داده شده است:

جمع	مفرد	
/-im/	/-om/	اول شخص
/-itu, -in, -eyn/	/-i, -ey/	دوم شخص
/-an, -en/	/-ø, -en, -e, -etu/	سوم شخص

- (6) /jæ:'s-om/ دویدم. (لازم)
 (7) /xen-itu/ خندیدید. (لازم)
 (8) /('eli) mi jex-et/ علی می‌دود. (حال، لازم)
 (9) /(bujik-a) mi-per-en/ گنجشکها می‌پرند. (حال، لازم)
 (10) /(ma) čas mi-xor-im/ ما ناهار می‌خوریم. (حال، متعدی)
 (11) /(to) ketav-eku mi-xun-i/ تو کتاب را می‌خوانی. (حال، متعدی)

شناسه‌های فعلی، یا به عبارتی پسوندهای فعلی، در جملات گویش دلواری، که گویشی ارگتیو است، در زمانهای حال (لازم و متعدی) و گذشته لازم، به عنوان عنصر مطابقت جمله به انتهای ستاک فعلی می‌چسبند و، در واقع، پسوند فعلی محسوب می‌شوند. اما در جملات متعدی در زمان گذشته نمی‌توانند ظاهر شوند:

- (12) *(/to) ketav-eku xund-i/ تو آن کتاب را خواندی. (گذشته، متعدی)

غیردستوری بودن جمله فوق به علت وجود پسوند فعلی در یک جمله گذشته متعدی است. استفاده از پی‌بست فاعلی /-et/ جمله را دستوری می‌کند.

پی‌بسته‌های فاعلی /-om, -et, -eš, -emu, -etu, -ešu/ از نظر آوایی و ساختاری به انتهای یک واژه یا گروه در جملات متعدی در زمان گذشته متصل می‌شوند. از نظر نحوی، ساختاری و واجی، رفتاری شبیه واژه‌بست دارند و با پسوندهای فعلی، که پیش‌تر معرفی شدند، در توزیع تکمیلی هستند و فاعل منطقی و اجباری جمله‌های متعدی در زمان گذشته‌اند:

- (13) /(zæhra) ketav-a-š bord/ زهرا کتابها را برد. (گذشته، متعدی)

(14) /('una) ketav-e mo-šu kærz gere/ آنها کتاب مرا قرض گرفتند. (گذشته، متعدی)

(15) /(mo) ketav-e še'r-eku-m va-sa/ من کتاب شعر را برداشتم. (گذشته، متعدی)

مثالهای (13) تا (15)، نمونه جملات بی‌نشانی هستند که در آنها پی‌بست فاعلی به انتهای گروه اسمی، که در جایگاه مفعول واقع است، متصل می‌شود. آخرین تکواژ گروه اسمی، همچون میزبان برای پی‌بست فاعلی به کار می‌رود. در جملات نشان‌دار، برای تأکید بر روی یک عنصر، ضمیر فاعلی متصل به آن عنصر می‌چسبد:

(16) /key-š go/ کی گفت؟ (گذشته، متعدی، تأکید بر روی کلمه پرسشی کی)

(17) /mo-m ketav xerid/ من کتاب را خریدم. (گذشته، متعدی، تأکید بر روی من)

هنگامی که مفعول در روساخت جمله ظاهر نمی‌شود، سایر عناصر جمله میزبان پی‌بست فاعلی می‌شوند:

(18) /ne-mu xærd/ نخوردیم. (گذشته، متعدی)

(19) /ne got-eš/ نگفت. (گذشته، متعدی)

پی‌بسته‌ها در گویش دلواری از نوع ویژه‌اند. دلیل این امر آن است که به یک میزبان متصل می‌شوند و معادل مستقل دارند؛ اما، توزیع آنها با معادل غیروابسته‌شان یکسان نیست و، از سوی دیگر، نمی‌توان گفت که از گونه‌های مستقل خود مشتق شده‌اند یا شکل کوتاه‌شده آنها هستند. (مثلاً نمی‌توان ادعا کرد که /-eš/، صورت کوتاه‌شده /'u/ است.) حال توزیع پسوند فعلی (شناسه فعلی) /-in/ (دوم شخص جمع) را با ضمیر فاعلی واژه‌بستی /-etu/ مقایسه می‌کنیم:

(20) /siče čas ne-mi-xor-in/ چرا ناهار نمی‌خورید؟

(21) /siče-tu čas ne-xærd/ چرا ناهار نخوردید؟

(22) /siče čas-etu ne-xærd/ چرا ناهار نخوردید؟

(23) /siče čas ne-tu xærd/ چرا ناهار نخوردید؟

(24) /siče čas ne xærd-etu/ چرا ناهار نخوردید؟

در مثال (21) پسوند /-in/ در انتخاب پایه تنها یک گزینه دارد و آن فعل است. حال آنکه واژه‌بست /-etu/، در جمله‌ای که از چهار عنصر واژگانی تشکیل شده است، هر چهار مورد را می‌تواند به عنوان پایه انتخاب کند (مثالهای 21 تا 24).

از نظر آوایی، پی‌بست فاعلی (و نیز سایر پی‌بسته‌های ضمیری)، تحت تأثیر تکواژ

میزبان قرار می‌گیرد. مصوت نخستین این تکواژها، در مرز تکواژ، جایی که تکواژ میزبان با یک مصوت پایان می‌یابد، به منظور جلوگیری از تلاقی دو مصوت حذف می‌شود (مثالهای 21 و 23).

با مقایسه مثالهای فوق از پسوندهای فعلی در جملات زمان حال و گذشته (لازم) (مثالهای 6 تا 11 و 20) با مثالهای ذکر شده از پی‌بسته‌های فاعلی در جملات زمان گذشته متعدی (مثالهای 13 تا 19 و 21 تا 24) به تشابه و تفاوت این دو گروه از عناصر و تکواژهای وابسته پی می‌بریم:

الف) پسوندهای فعلی و پی‌بسته‌های فاعلی، نقش نحوی یکسانی ایفا می‌کنند که همان مطابقه در جمله است. این دو گروه فاعل منطقی جمله‌اند. گفتنی است فاعل موضوعی جمله، در واقع، همان گروه‌های اسمی اختیاری هستند که در ابتدای جمله واقع می‌شوند و در صورت حذف آنها ویژگی شخص و شمار جمله از طریق پسوندهای فعلی یا پی‌بسته‌های فاعلی قابل فهم است. رابرتز (۲۰۰۱) در مورد توزیع واژه‌بسته‌ها در زبان پشتو استدلال می‌کند که اگر واژه‌بسته‌ها موضوع باشند، پس باید بتوانند همراه با پسوندهای مطابقه‌ای در جمله ظاهر شوند. در زبان پشتو (که زبانی ارگتیو است)، واژه‌بسته‌ها و پسوندهای مطابقه‌ای فعلی در توزیع تکمیلی هستند، به این معنی که هر دو دارای نقش واحدی هستند. یعنی هر دو دارای شخص و شمار هستند. همین استدلال در مورد یافتن وجه اشتراک پسوندهای فعلی و پی‌بسته‌های فاعلی در گویش دلواری نیز از نظر داشتن نقش مطابقه قابل توجیه است.

ب) برخلاف بسیاری از گویش‌های ارگتیو که در آنها پی‌بسته‌های فاعلی با مفعول جمله مطابقت می‌کنند، در گویش دلواری پی‌بسته‌های فاعلی، همانند پسوندهای فعلی، از نظر شخص و شمار با فاعل جمله مطابقت می‌کنند.

ج) از نظر تعیین میزبان، عنصر یا تکواژ پایه‌ای که این دو گروه به آن متصل می‌شوند و از نظر واجی بدان تکیه می‌کنند، پسوندهای فعلی باید به ستاک فعلی متصل شوند و در گزینش سایر عناصر آزادی ندارند، حال آنکه پی‌بسته‌های فاعلی گزینش آزادتری دارند و به عناصر متنوعی متصل می‌شوند و توزیع به مراتب آزادتری نسبت به پسوندهای فعلی دارند (مثالهای 20 تا 24).

۲-۴ پی‌بستهای مفعولی

جایگاه مفعول صریح می‌تواند توسط اسم، ضمیر، یا بند پر شود. ضمایر مفعولی را می‌توان به دو گروه الف) مفعولی آزاد و ب) پی‌بست مفعولی تقسیم کرد.

۱-۲-۴ ضمایر شخصی آزاد در جایگاه مفعول

این ضمایر پس از فاعل و قبل از فعل واقع می‌شوند:

(25) /zæhra 'u mi-ver-et/

زهرا او را می‌برد.

گویش دلواری، بر خلاف زبان فارسی معیار، فاقد نقش‌نمای را پس از مفعول است. به همین دلیل، مفعول از توانایی کمتری جهت جابه‌جایی در جمله برخوردار است. برای مثال، مفعول نمی‌تواند قبل از فاعل واقع شود.

(26) /(mo) hesæn mi-vin-om/

من حسن را می‌بینم.

(27) */hesæn mo mi-vin-om/

حسن را، من می‌بینم.

همچنین، باید این نکته را اضافه کرد که مفعول اسمی و ضمیر مفعولی آزاد هر دو می‌توانند میزبان پی‌بست فاعلی باشند:

(28) /(hesæn) ketav-eš bord/

حسن کتاب را برد.

(29) /zæhra mo-š di/

زهرا من را دید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

۲-۲-۴ پی‌بستهای مفعولی

این پی‌بستها، در واقع، همان پی‌بستهای فاعلی هستند که نقش مفعول صریح جمله را نیز ایفا می‌کنند. در مثالهای زیر حضور هم‌زمان این دو دسته مشابه پی‌بستها در جملات زمان گذشته دیده می‌شود:

(30) /mi-xor-om-eš/

من آن را می‌خورم. (می‌خورم) (زمان حال)

(در این جمله /-om/ پسوند فعلی است چرا که زمان جمله، حال است.)

(31) /košt-et si-š/

او را کشتی. (کشتیش) (زمان گذشته)

(32) /šena:t-om-eš/

او مرا شناخت. (زمان گذشته)

در دو جمله اخیر پی‌بست فاعلی و مفعولی، به دلیل گذشته و متعددی بودن جمله، هم‌زمان باید حضور داشته باشند.

پی‌بسته‌های مفعولی توزیعی متفاوت از ضمایر مفعولی آزاد دارند و این امر به دلیل لزوم اتصال آنها به یک میزبان است. این ضمایر، در زمان حال، به گروه فعلی متصل می‌شوند (جمله 30)، اما در زمان گذشته، توزیع پیچیده‌تری دارند که در جمله‌های (31) و (32) مشاهده می‌کنیم. پی‌بسته‌های فاعلی در زمان گذشته (جملات متعدی)، ضرورتاً حضور دارند. همان‌طور که قبلاً گفته شد، پی‌بسته‌های فاعلی و مفعولی از نظر ساختار و واجی کاملاً شبیه هم‌اند و، در واقع، تکواژهایی یکسان با عملکردهای نحوی متفاوت‌اند. به عبارت دیگر، تکواژهای /-om, -et, -eš, -emu, -etu, -ešu/ هم می‌توانند فاعل جملات متعدی گذشته باشند و هم مفعول جملات متعدی و این دوگانگی در نقش باید به شکلی در جمله متعدی زمان گذشته حل شود. پی‌بست مفعولی، در حضور پی‌بست فاعلی در جملات متعدی گذشته همراه با حرف اضافه /si/ به کار می‌رود و به آن متصل می‌شود. نکته جالب توجه این است که اگر مجموع حرف اضافه و ضمیر مفعولی (مثلاً si-š) را به ابتدای جمله و قبل از فعل بیاوریم، جمله معنای دیگری خواهد یافت:

برای او کُشتی. /si-š košt-e/ (33)

در جمله (34) پی‌بست مفعولی قبل از پی‌بست فاعلی واقع شده است. این توالی در پی‌بسته‌های مفعولی و فاعلی، هنگامی رخ می‌دهد که پی‌بست مفعولی، اول شخص و پی‌بست فاعلی، سوم شخص باشد.

او ما را زد. (پی‌بست مفعولی اول شخص) /zet-im-eš/ (34)

پی‌بست مفعولی را در جمله بالا می‌توان به صورت زیر، همراه حرف اضافه /si/، نیز به کار برد:

او ما را زد. /zet-eš si-nu/ (35)

اگر پی‌بست مفعولی اول شخص و پی‌بست فاعلی سوم شخص نباشد، این دو پی‌بست نمی‌توانند به صورت متوالی به یک میزبان (ستاک فعلی) متصل شوند:

او تو را زد. (پی‌بست مفعولی دوم شخص) */zet-et-eš/ (36)

(۲۲) این حرف اضافه در این مورد معادل «را» در فارسی محسوب می‌شود. معنی تحت‌اللفظی این حرف اضافه در سایر موارد «به» و «برای» است.

در جمله بالا پی‌بسته مفعولی نمی‌تواند ستاک فعلی را به عنوان میزبان برگزیند و باید به /si/ متصل شود:

(37) /zet-eš si-t/

او تو را زد.

در جمله (32) پی‌بسته مفعولی به فعل صرف شده متصل شده است. در جملات نشاندار، پی‌بسته مذکور می‌تواند به عناصر یا گروه‌های غیر فعلی نیز متصل شود:

(38) /sey mašin-om mi-ver-e/

با ماشین مرا می‌برد. (تأکید بر ماشین)

(39) /xom-eš mi-ver-om/

خودم او را می‌برم. (تأکید بر خودم)

در زمان گذشته، پی‌بسته‌های مفعولی نمی‌توانند قبل از فعل ظاهر شوند، ولی معادل واژگانی آنها این امکان را دارد:

(40) /šena:t-om si-š/

شناختمش.

(41) */si-š šena:t-om/

(42) /u-m šena:t/

او را شناختم.

(43) /šena:t-om 'u/

۳-۴ پی‌بسته‌های مفعولی غیر صریح

ضمایر شخصی (اعم از آزاد و پی‌بستی) در جایگاه مفعول غیر صریح جمله، همراه با حرف اضافه به کار می‌روند. این ضمایر پس از حروف اضافه‌ای مثل /si/ (برای، به) موضوعهای داخلی فعلهای متعدی دومفعولی را تشکیل می‌دهند. فعلهای متعدی دومفعولی به یک مفعول صریح (پذیرا^{۳۳}) و یک مفعول غیر صریح (هدف^{۳۴} یا بهره‌ور^{۳۵}) نیاز دارند. حرف اضافه به همراه گروه اسمی، گروه حرف اضافه‌ای تشکیل می‌دهد و جایگاه مفعول غیر صریح را پر می‌کند.

(44) /('æhmæd) ketav-eš si 'eli da/

احمد کتاب را به علی داد.

(45) /'æhmæd si 'eli-š ketav da/

احمد به علی کتاب داد.

در جمله (44)، گروه حرف اضافه‌ای، بعد از مفعول صریح، و در جمله (45) قبل از آن قرار گرفته است. به جای مفعول غیر صریح اسمی در مثالهای فوق می‌توان از ضمایر آزاد یا پی‌بسته‌هایی در همین نقش استفاده کرد (پی‌بسته‌های مفعولی غیر صریح). ضمایر آزاد و

پی‌بسته‌های ضمیری می‌توانند جانشین گروه اسمی (eli) شوند و بعد از این حروف اضافه به کار روند. آنچه باعث تمایز این دو گروه از ضمائر در جایگاه مفعول غیر صریح می‌شود، عدم استقلال واجی و، در نتیجه، تکواژی پی‌بسته‌های مفعولی غیر صریح است:

احمد کتابی برای من فرستاد.
 (/('æhmæd) ketav-eš si mo 'ersond/ (46)

پی‌بسته‌های ضمیری در جایگاه مفعول غیر صریح عبارت‌اند از: -om, -et, -eš, -emu, -etu, -ešū که همان پی‌بسته‌های فاعلی و مفعولی هستند.

کتاب را به او دادم.
 (/ketav-om si-š da/ (47)

به او کتاب دادم.
 (/si-š-om ketav da/ (48)

کتابه را بهش دادم.
 (/ketav-eku si-š-om da/ (49)

در جمله‌های (48) و (49) دو واژه‌بست (-š, -om) با هم به کار رفته‌اند و خوشهٔ واژه‌بستی^{۳۶} تشکیل داده‌اند. این توالی، تنها به شرط مفرد بودن پی‌بست مفعولی غیر صریح امکان‌پذیر است، در غیر این صورت، پی‌بست فاعلی به میزبان دیگری نیازمند است:

به ما گفت.
 (/si-mu-š go/ (50)

به ما گفت.
 (/si-mu got-eš/ (51)

۴-۴ پی‌بسته‌های ملکی

ضمایر ملکی در این گویش، چه به شکل آزاد و چه متصل (پی‌بستی)، بلافاصله بعد از مضاف قرار می‌گیرند و عملکرد آنها همانند ضمایر ملکی - یا پی‌بسته‌های ملکی - زبان فارسی معیار (م، ت، ش، یمان، یتان، یشان) است:

کتاب علی
 (/ketav-e 'eli/ (52)

در گروه اسمی فوق، مالک یک اسم است (علی) و توسط کسرهٔ اضافه /e/ به اسم مملوک (کتاب) اضافه می‌شود. این امر، در مورد ضمیر آزاد نیز صدق می‌کند:

کتاب او
 (/ketav-e 'u/ (53)

پی‌بسته‌های ملکی توزیعی همسان با گونهٔ آزاد خود دارند، با این تفاوت که دیگر نیازی به وجود کسرهٔ اضافه پس از مضاف نیست:

(59) /ketav-om/

کتابم

ترکیب فوق (مضاف و پی‌بست ملکی)، می‌تواند در جایگاه فاعل، مفعول و مفعول غیر صریح قرار گیرد:

(55) /ljume-m] derd/

پیراهنم پاره شد. (فاعل)

(56) /[dæss-e do:t-om] so:t/

دست دخترم سوخت. (فاعل)

(57) /[mašin-om]-eš bord/

ماشینم را برد. (مفعول)

(58) /sæng-eš [si guli-m] ze/

به طرف گربه‌ام سنگ پرتاب کرد. (مفعول غیر صریح)

۴-۵ تفاوت نحوی میان ضمایر پی‌بستی (ارگتیو) و سایر پی‌بسته‌ها

پی‌بسته‌های فاعلی (ارگتیو) در گویش دلواری، عناصر مطابقه‌ای جمله‌اند. این پی‌بسته‌ها در توزیع تکمیلی با پسوندهای (شناسه‌های) فعلی قرار دارند، به این معنی که در جملات متعدی در زمان گذشته ظاهر می‌شوند، جایی که شناسه‌های فعلی ظاهر نمی‌شوند. شناسه‌های فعلی نیز در زمان حال و گذشته لازم ظاهر می‌شوند.

از سوی دیگر، اگر بخواهیم آنها را موضوع بیرونی^{۳۷} فعلهای متعدی در زمان گذشته محسوب کنیم، قاعدتاً حضور آنها باید مانع حضور فاعل اختیاری جمله شود، در حالی که هر دو این عناصر، فاعل (اسمی، ضمیری) و پی‌بسته‌های فاعلی قادرند همزمان در جمله حضور داشته باشند و حضور همزمان دو موضوع بیرونی برای یک فعل غیر ممکن است.

در نتیجه، پی‌بسته‌های ارگتیو، مطابقه‌ای و اجباری هستند و مجوز حضور فاعل ضمیرانداز را می‌دهند، همچنین می‌توانند با موضوعهای NP آشکار (در نقش فاعل) همزمان ظاهر شوند.

در مورد پی‌بسته‌های مفعولی (صریح و غیر صریح) مسئله فرق می‌کند. این عناصر نمی‌توانند به طور همزمان با معادل‌های آزاد خود در یک جمله قرار گیرند. به عبارت بهتر، این پی‌بسته‌ها در توزیع تکمیلی با موضوعهای واژگانی (موضوعهای داخلی) قرار می‌گیرند و دقیقاً همان نقش نحوی را ایفا می‌کنند. از سوی دیگر، حضور آنها در جمله ارتباطی به زمان جمله ندارد.

۴-۶ میزبان پی‌بسته‌های ضمیری

پی‌بسته‌های فاعلی بالقوه قادرند به عناصری مثل عنصر نفی، اسم، ستاک فعلی، قید، ضمیر، حرف اضافه و فعل کمکی متصل شوند.

- | | |
|-----------------------|---------------------------------|
| (59) /ne-mu xærd/ | نخوردیم. (میزبان: عنصر نفی) |
| (60) /ketav-om xond/ | کتاب خواندم. (میزبان: اسم) |
| (61) /zet-eš/ | زدند. (میزبان: ستاک فعلی) |
| (62) /hemiše-š mi-go/ | همیشه می‌گفت. (میزبان: قید) |
| (63) /mo-m di/ | من دیدم. (میزبان: ضمیر) |
| (64) /si-š-om go/ | به او گفتم. (میزبان: حرف اضافه) |
| (65) /ne-did-e-bi-š/ | ندیده بود. (میزبان: فعل کمکی) |

حوزه عملکرد پی‌بست فاعلی جمله است و تقریباً به تمام عناصر جمله می‌تواند متصل شود. اما، آنچه مهم است این است که از نظر نحوی میزبان پی‌بست فاعلی در اکثر موارد گروه است. گروه‌های اسمی، حرف اضافه‌ای و فعلی این نقش را بر عهده دارند و از میان تکواژهای آنها، آخرین تکواژ میزبان واجی پی‌بست فاعلی محسوب می‌شود. در جملات بی‌نشان پی‌بست فاعلی اغلب تمایل دارد در نزدیکیهای فعل باقی بماند و به انتهای گروه اسمی (در نقش مفعول جمله) متصل شود:

- | | |
|-----------------------------------|---|
| (66) /[deræxt-e nar-eku]-š borid/ | درخت انار را برید. (میزبان: گروه اسمی) |
| (67) /[si do:t-e xale]-š got/ | به دخترخاله گفتم. (میزبان: گروه حرف اضافه‌ای) |
| (68) /[xærd-e bi]-š/ | خورده بود. (میزبان: گروه فعلی) |

در مثالهای فوق پی‌بست فاعلی نمی‌تواند به عناصر داخل قلاب متصل شود. مگر اینکه آن عنصر هسته گروه و نیز تنها تکواژ گروه باشد. البته در مورد گروه فعلی این امکان وجود دارد که پی‌بست فاعلی، عنصر نفی آن گروه را به عنوان میزبان انتخاب کند (جمله 59).

پی‌بست مفعولی در زمان حال و گذشته، پس از فعل واقع می‌شود. در زمان حال به ستاک فعلی متصل می‌شود. همچنین می‌تواند به عناصر غیرفعلی فعلهای مرکب و نیز متمم فعلی متصل شود:

- | | |
|-------------------------|---|
| (69) /mi-xor-im-eš/ | (آن را) می‌خوریم. (میزبان: فعل) |
| (70) /pak-eš mi-kon-om/ | آن را تمیز می‌کنیم. (میزبان: عنصر غیرفعلی فعل مرکب) |

آن را روشن کن. (میزبان: عنصر غیر فعلی فعل مرکب) /ber-eš va-ko/ (71)
 پی‌بسته‌های مفعولی در زمان گذشته، در توالی عناصر جمله، معمولاً پس از گروه فعلی قرار می‌گیرند، اما میزبان آنها حرف اضافه /si/ است:

مرا کشت. (میزبان: /si/) /košt-eš si-m/ (72)

او را دیدم. (میزبان: /si/) /di-m si-š/ (73)

او تو را بوسید. (میزبان: /si/) /mač-eš kerd si-t/ (74)

در برخی از موارد، اگر پی‌بست مفعولی اول شخص و پی‌بست فاعلی سوم شخص باشد، علاوه بر /si/، فعل نیز می‌تواند میزبان پی‌بست مفعولی باشد. در این صورت پی‌بست فاعلی پس از مفعول قرار می‌گیرد و با آن تشکیل خوشه واژه‌بستی می‌دهد:

او مرا کشت. (میزبان: فعل) /košt-om-eš/ (75)

آنها ما را گرفتند. (میزبان: فعل) /geret-im-ešu/ (75)

پی‌بسته‌های مفعولی غیر صریح به حروف اضافه‌ای مثل /si/ (به، برای)، /sa/ (به، از) متصل می‌شوند.

برای او خریدم. (میزبان: حرف اضافه) /si-š-om xerid/ (77)

از او گرفتم. (میزبان: حرف اضافه) /sa-š-om vasa/ (78)

برای او می‌خری. (میزبان: حرف اضافه) /si-š mi-xer-i/ (79)

پی‌بست ملکی در زمان حال و گذشته پس از مضاف واقع می‌شود و آخرین تکواژ مضاف (در صورتی که بیش از یک اسم باشد) میزبان آن است. حوزه عملکرد پی‌بست ملکی گروه اسمی است. گروه اسمی حاوی پی‌بست ملکی در جایگاه‌های مختلف جمله ظاهر می‌شود:

دختر بزرگ او /do:t-e gep-u-š/ (80)

دست راست تو /dæss-e rass-u-t/ (81)

۷-۴ توالی پی‌بسته‌های ضمیری

در گویش دلواری، حداکثر سه پی‌بست ضمیری می‌توانند در یک جمله ظاهر شوند، با این شرط که از سه پی‌بست موجود، یکی پی‌بست ملکی باشد:

کتابم را بهش دادی. /ketav-om-et si-š da/ (82)

در جملات زمان حال مفعول صریح و غیرصریح می‌توانند به صورت پی‌بست ظاهر شوند:

(83) /si-tu mi-xer-im-eš/ برایتان می‌خوریمش.

اما در جملات زمان گذشته، به علت حضور اجباری پی‌بست فاعلی، تنها یکی از مفعولهای صریح یا غیرصریح می‌تواند به صورت پی‌بستی ظاهر شود:

(84) /ketav-eku-mu si-š da/ کتابه را بهش دادیم.

در جمله فوق می‌توان خوشه‌ای از پی‌بستهای مفعولی غیرصریح و فاعلی تشکیل داد:

(85) /ketav-eku si-š-emu da/

(86) /košt-eš si-m/ من را کشت.

جمله فوق می‌تواند یک خوشه‌ی واژه‌بستی مرکب از پی‌بست مفعولی و فاعلی تشکیل دهد:

(87) /košt-om-eš/

در جمله‌های فوق خوشه‌های واژه‌بستی موجود، از ترکیب یک پی‌بست غیرفاعلی (ملکی، مفعولی، مفعولی غیرصریح) و یک پی‌بست فاعلی تشکیل شده‌اند. به عبارت دیگر، عضو اصلی خوشه‌های واژه‌بستی پی‌بست فاعلی است. بنابراین، این خوشه‌ها تنها در جملات زمان گذشته متعدی شکل می‌گیرند.

۴-۸ نتیجه‌گیری

پی‌بستهای ضمیری در گویش دلواری عناصری نحوی هستند، به این معنی که جایگاههای نحوی مثل مفعول صریح و غیرصریح، مطابقه یا مضاف الیه را پر می‌کنند. این عناصر مستقل نحوی از نظر واجی و ساختوازی وابسته‌اند، فاقد تکیه هستند و به یک میزبان در سمت چپ خود تکیه می‌کنند. این پی‌بستهای ویژه، با توجه به ضرورت اتصال به یک میزبان و نیز حضور همزمان سایر پی‌بستها، دارای محدودیتهای خاصی در توزیع هستند که با توجه به نوع کارکرد نحوی آن پی‌بستها و ضرورت حضور همزمان برخی از آنها در جمله از نظر توزیع با هم متفاوت‌اند. پی‌بستهای فاعلی عناصر مطابقه‌ای هستند که باید در جملات متعدی زمان گذشته حاضر باشند و این باعث آزادی بیشتر آنها در انتخاب میزبان می‌شود. حال آنکه پی‌بستهای مفعولی (صریح و غیرصریح)

موضوعهای فعلی هستند که معادل‌های کامل آنها نیز در همان نقش می‌توانند ظاهر شوند. بنابراین، در مقایسه با پی‌بسته‌های فاعلی ضرورت کمتری دارند. از سوی دیگر، یکی از عناصر ضروری در خوشه‌های واژه‌بستی پی‌بست فاعلی است و حد اکثر سه پی‌بست در جمله قادرند ظاهر شوند. در خوشه‌های واژه‌بستی که از حد اکثر دو پی‌بست تشکیل می‌شود، پی‌بست فاعلی در انتها قرار می‌گیرد.

پی‌بسته‌های فاعلی اغلب تمایل دارند به انتهای گروه‌های اسمی متصل شوند یا به عناصر درون گروه فعلی. پی‌بسته‌های مفعولی به حرف اضافه یا گروه فعلی و پی‌بسته‌های ملکی به مضاف در یک گروه اسمی. بنابراین، نمی‌توان با قاطعیت اذعان کرد که این عناصر وندهای تصریفی هستند، چرا که در آن صورت می‌بایست، به طور خاص، به یک گروه متصل می‌شدند، هرچند این تمایل در مورد پی‌بسته‌های فاعلی بیش از سایر پی‌بسته‌ها وجود دارد.

پی‌بسته‌های فاعلی (ارگتیو) نیاز به بررسی دقیق‌تر و جامع‌تری در چارچوب نظریه‌های مربوط به ساخت ارگتیو دارند، که بحث در آنها به فرصتی دیگر موکول می‌شود.

مآخذ

رضائی باغبیدی، حسن (۱۳۸۰). معرفی زبانها و گویشهای ایران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران؛ شقاقی، ویدا (۱۳۷۴)، «واژه‌بست چیست؟»، مجموعه مقاله‌های سومین کنفرانس زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ص ۱۴۱-۱۵۷؛ صادقی، علی‌اشرف (۱۳۵۸)، تکوین زبان فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران؛

ANDERSON, Stephen R. (1994), *A-Morphous Morphology*, Cambridge University Press, Cambridge;
Klavans, Judith (1982), *Some Problems in a Theory of Clitic*, Indiana University Linguistics Club, Bloomington;

—, (1985) "The Independence of Syntax and Phonology in Cliticization", *Language*, No. 61, 95-120;

ROBERTS, Taylor (2001), "Deriving Second Position", *The Canadian Journal of Linguistics*, No. 46 (1/2), 127-153;

SPENCER, Andrew (1991), *Morphological Theory*, Basil Blackwell, Cambridge;

Zwicky, A. M. (1994), "Clitics", *Encyclopedia of Language and Linguistics*, ed. R.E. Asher, Pergamon Press, vol. 2, 571-576.